

متن پیاده سازی شده جلسه سی و سوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 10 آذر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث ما در مورد استدلال به آیه نبا بر حجیت خبر واحد بود؛ آیه نبا در سرنوشت بحث حجیت یا عدم حجیت خبر واحد بسیار تاثیر گذار است چرا که هم موافقین و هم مخالفین به آیه نبا تمسک کرده اند. اشکال دوم: درست است صدر آیه دلالت بر اعتبار خبر غیر فاسق می کند اما ذیل آیه یک مناطی دارد که این مناط در مورد خبر غیر فاسق هم می آید و مناط هم این است که هر کجا شما اطمینان نیاوردید عمل نکنید. ما گفتیم چون ذیل آیه حکم کبری کلی دارد مقدم بر صدر آیه می شود. طبق این بیان ما نمی توانیم برای حجیت خبر واحد استفاده کنیم بلکه برای عدم حجیت می توانیم استفاده کنیم. استاد: اما در یک نگاه واقعا نه می شود از این آیه برای حجیت خبر واحد استفاده کرد و نه برای عدم حجیت مرحوم طبرسی و طوسی برای رد خبر واحد به این ایه تمسک کرده اند. اما این تمسک درست نیست چرا که این آیه می فرماید به خبر فاسق عمل نکنید چرا که اخذ به خبر واحد جهالت و سفاهت است و پشیمانی به دنبال دارد. اما اگر خبر واحدی که یقین نمی آورد ولی پشتوانه یقینی دارد چه؟ این مورد را آیه شامل نمی شود. اخذ به ظواهر اخذ به یقین نیست اما همه قائلند که اخذ به ظواهر درست است چرا که اخذ به ظواهر پشتوانه یقینی دارد. و همچنین برای حجیت خبر واحد با توجه به ذیل آیه نمی شود استناد کرد. استاد: تا به اینجا عرض شد از این آیه نه رد استفاده می شود و نه اثبات مرحوم آخوند بحثی داشت که جهالت به معنای سفاهت است. نسبت به کلام آخوند عرض می کنیم که اخذ به سفاهت نسبی است شما اگر به پزشک عمومی غیر متخصص رجوع کنید کار شما سفیهانه نیست کرچه اعتماد به غیر علم است اما اگر برای عمل قلب به غیر متخصص رجوع کنید این کار سفیهانه محسوب می شود پس به مرحوم آخوند می گوئیم اینکه بگوئید مطلقا اخذ به خبر غیر علمی سفیهانه است درست نمی باشد؛ حال سوال این است که آیا اخذ به خبر واحد و نسبت دادن حکمی به خدای تعالی از اهم امور است یا نه؟ با توجه به اینکه احکام الهی اهمیت فراوان دارد در اغلب موارد نسبت دادن خبر واحد به خدا از مصادیق سفاهت است.

یکی از کسانی که فرموده است که مفهوم صدر آیه مقدم بر عموم تعلیل است مدرسه آقای نائینی است آقای نائینی می فرماید هیچ دلیلی برای خودش موضوع نمی سازد چنانچه برای خودش نفی موضوع نمی کند الربا حرام دلیل دیگر می گوید لا ربا بین الوالد و الولد ... ببینید دلیل دیگر می آید و نفی موضوع می کند؛ اما در آیه دلیل می گوید ان لا تصیبوا بجهاله مفاد تعلیل این است که اخذ به جهالت نکنید و الا پشیمان می شوید اما نمی فرماید چه چیزی مصداق سفاهت است چه چیزی نیست لذا نسبت به این مورد لا اقتضا است اما صدر آیه یک منطوق دارد که می فرماید اخذ به خبر فاسق نکنید و اگر مفهوم گیری کنیم می فهمیم که در خبر عادل تبیین لازم نیست پس صدر آیه زبان دارد و می گوید اخذ به خبر فاسق مصداق جهالت است و اخذ به خبر عادل اخذ به جهالت نیست؛ صدر آیه اقتضا است و ذیل آیه لا اقتضا است و لذا بین این دو تعارضی وجود ندارد.

مرحوم اصفهانی می فرماید: اینکه برخی ها (نائینی) گفته اند مفهوم آیه هیچ معارض ندارد و تعلیل تعارضی با مفهوم آیه ندارد این ها دقت نکرده اند که مفهوم تابع تعلیل است و تعلیل در ادامه منطوق آمده است و لذا یکی از مصادیق جهل اخذ به خبر عادل است و اگر شما بخواهید مفهوم را زنده کنید در دور گرفتار خواهید شد.

بیان دور: شما اگر مفهوم گیری کنید و بگوید اخذ به خبر عادل اخذ به جهل نیست نباید تعلیل مانع باشد و چه زمانی تعلیل مانع نیست وقتی که اخذ به مفهوم کنید. به عبارت دیگر: اخذ به مفهوم متوقف بر مانع نشدن تعلیل است و مانع نشدن تعلیل هم متوقف بر اخذ به مفهوم است پس اخذ به مفهوم متوقف بر اخذ به مفهوم است.

و الحمد لله رب العالمین